

گزارشی از سفر تاریخی رهبران مذهبی

به زادگاه عیسی



صبح روز یکشنبه در حین به خاک سپردن صلیب، اتفاق بزرگی رخ داد. هفت اسرائیلی در يك حمله انتحاری در نزدیکی هتل اقامت ما کشته شدند. همچنین اسقف فلیپ جانسون از اعضای هیئت رئیسه رهبران مسیحی آمریکا در يك درگیری بین مرگ و زندگی (بواسطه‌ی يك بیماری جسمی) به بیمارستان منتقل شد و درست در پایان کنفرانس وضعیت او بهبودی یافته و دوباره به جمع ما پیوست. ما باور داریم که تمامی این اتفاقات بواسطه‌ی شرطهای غرامت سنگینی است که والدین راستین در طی چهل شبانه روز گذشته برپا نمودند. پدر راستین در آزمونی برای برپا کردن شرط غرامت و انتقال آن بطور مستقیم به خاورمیانه، در جهت ایجاد صلح بین مسیحیت، اسلام و یهودیت، از يك نبرد بین مرگ و زندگی پیروزمندانه گذشتند.

این بار، ما بطور خاص به اتحاد بین مسیحیت و یهودیت تمرکز کرده بودیم و بر این اساس، يك کنفرانس در هتل حیات، محل اقامتمان در اورشلیم برگزار گردید. بمب گذاریها در نزدیکی هتل باعث شد تا میهمانان ما، روحانیون و نمایندگان انجمن‌های یهودی نتوانند بموقع خودشان را به کنفرانس برسانند. با این همه آنها با جرات تمام به کنفرانس آمدند. چیزی در حدود ۱۲۰ نماینده از رهبران یهودی و ۱۳۰ نفر از رهبران مسیحی و تعدادی هم از رهبران اسلامی در کنفرانس شرکت جستند.

دکتر یانگ در سخنان افتتاحیه‌ی خود بر اتحاد مسیحیت و یهود، براساس فهم و ایمان مشترك ما نسبت به خدا تاکید کرد. او ادامه داد که مسیحیت صلیب‌های خود را پایین کشیده و بواسطه‌ی عدم فهم درست از ظهور عیسی، زنده ماندن و پذیرفته شدن او از جانب اسرائیل به توبه نشستند، و اکنون براساس این پایه است که ما عشق و مصالحه را درخواست می‌کنیم. او همچنین رهبران یهودی را برای با هم بودن و به آغوش کشیدن عیسی فراخواند. دو مذهب برادر باید یکی شوند. این امر شرطی اساسی برای ترمیم درگیری بین جناح‌های مسلمان و یهودی خواهد بود.

رهبران یهودی بسیار مهمی در کنفرانس شرکت کرده و در برنامه‌ها حضور داشتند. دکتر کافومن با سخنان خود تحت عنوان بخشش، عشق و مصالحه بخش اول کنفرانس را آغاز کرد. بدنبال او اسقف استالینگز در این بخش از چگونگی حضور خدا در کنار ما سخن گفت. او در سخنان خود با گذر از راه باریکه‌ی تحت تاثیر قرار دادن رهبران یهودی گام برمی‌داشت. او عنوان کرد که ما باید تفاوت‌های خودمان را کنار گذاشته و با توجه به اینکه يك خدای واحد، آفریننده‌ی هر دوی ما می‌باشد، باید بسوی یکدیگر بشتابیم. با توجه به اینکه مسیحیت در مقام برادر کوچک قرار دارد. او پا فراتر گذاشته و گفت، به خاطر اینکه مسیحیت معنای صلیب را درک نکرد، ما صلیب‌ها را پایین کشیده و با قلبی متواضعانه در پی برادر بزرگ خودمان به اسرائیل آمده‌ایم. ما مسیحیان باید بخاطر تمامی کشتارها و قتل‌عامها بر

علیه سامیان که در طول تاریخ رخ داد، توبه کنیم. او از تمامی روحانیون و خاخام‌های یهودی شرکت کننده در کنفرانس طلب بخشش نمود.

او همچنین از آنها خواست تا این موضوع را درک کنند که عیسی از جانب خدا آمد تا پادشاهی بهستی را بر روی زمین و در بهشت برپا کند. او واقعاً می‌خواست تا از مردمش عشق دریافت کند و اگر فهم درستی در آن زمان وجود می‌داشت پادشاهی بهستی فرامی‌رسید. بنابراین اگر این فهم و درک در این زمان متمرکز بر عیسی، مسیحیت و اسرائیل شکل بگیرد، آنگاه پادشاهی خدا می‌تواند در تمامی نقاط مختلف زمین گسترش پیدا کند. اسقف استالینگز در سخنان عمیق و تدهین کننده‌ی خود بر حضار تاثیر عمیقی گذاشت و به محیط روحی خوبی بوجود آورد. باور داریم که تمامی اینها بواسطه‌ی غرامتهای پرداخت شده از جانب والدین راستین تحت پوشش قرار گرفته بود. این کنفرانس برآستی مثل يك رویا بود.

در عین حال اتفاقات ناگوار هم در همان روز روی داد. صبح همان روز در نزدیکی هتل بمب گذاری شد و در طی روز يك گروه تندرو یهودی بارها و بارها تلاش داشت تا برای برهم زدن کنفرانس به درون هتل بیاید، که از این کار آنها جلوگیری بعمل آمد.

این گروه در سال ۱۹۹۳، هتل محل برگزاری تور سخنرانی مادر راستین را تحت فشار قرار داده بود تا در آخرین فرصت، برگزاری کنفرانس را کنسل کنند. اعضاء در آن زمان به شانزده هتل دیگر مراجعه کردند که تمامی آنها پاسخ منفی دادند. سرانجام يك هتل متعلق به فلسطینیان پذیرفت و برنامه با موفقیت به انجام رسید. گرمی و جرات والدین راستین، قلب مادر راستین در ورود به يك چنین موقعیت غیرممکن و خطیری به ما یادآوری شد. مقدمات برگزاری در آخرین دقائق انجام شد، نمایش ویدیو بر روی يك تکه کاغذ سفید رنگ که توسط برادران ما نگهداری شده بود، اجرا شد ... برآستی تمامی مقدمات برگزاری ناپایدار بودند، با اینحال مادر راستین با قدرت تمام سخن گفت و ماموریت خود را به انجام رسانیدند. با حضور در يك چنین کشوری و با يك چنین وضعیتی می‌توان درک کرد که مادر راستین چگونه تور سخنرانی خود را به انجام رساند، همچنین می‌توان درک کرد که میزان پرداخت غرامت از جانب والدین راستین برآستی و رای اندیشه‌های ما است. مادر راستین برآستی تحت حمایت خدا بودند.

بر این اساس احساس کردیم که ما هم از موقعیت مشابهی طی طریق می‌کنیم. همان گروه تندرو به کنفرانس ما حمله کرد، آنها اعلامیه‌هایی را پخش می‌کردند و سعی در ورود به درون هتل داشتند. یکی از خواهران برکت گرفته‌ی ما از هیئت رئیسه‌ی بخش زنان، مسئول ایمنی کنفرانس بود و بارها از ورود آن گروه جلوگیری کرد و سرانجام به پلیس مراجعه کرد. اداره‌ی پلیس يك واحد از پاسداران مرزی را برای حفظ امنیت به هتل فرستادند. با حضور آنها در داخل هتل آرامش برقرار بود و کنفرانس بخوبی برگزار شد. اما در بیرون از هتل غوغائی بود که البته اکثر حضار از چگونگی آن خبر نداشتند.

اما کنفرانس غوغای درونی خاص خودش را داشت. موضوع اصلی و جنجال برانگیز ما این بود که رهبران یهودی و مسیحی در يك حال و هوای مملو از عشق بسوی یکدیگر آمده و به يك فهم مشترک درباره عیسی و پذیرش محترمانه‌ی ماموریت مسیحانه‌ی او نائل شوند. یکی از خاخام‌ها که در گذشته با اسقف استالینگز دیدار داشته و درباره‌ی والدین راستین با او سخن گفته بود، عنوان کرد که از حضور و گرمی والدین راستین تحت تاثیر قرار گرفته است. او از واقعیت وجودی خدا و کار و تلاش او از طریق مسیحیت و یهودیت، و تشابه مندرجات کتب مقدس سخن گفت. او گفت که اگر ما بتوانیم با آن کلام زندگی کنیم، آنگاه قادر خواهیم بود تا با هم باشیم. او همچنین در سخنان خود تمامی ده روحانی مسلمان شرکت کننده در کنفرانس را که تعدادی از آنها فلسطینی بودند، به آغوش گرفت و از آنها بخوبی یاد کرد.

از این تجربه می‌توان دید که برآستی رهبران مذهبی می‌توانند و می‌خواهند با هم باشند. خشونت‌های شدیدی را که در این منطقه روی می‌دهد خواست مذهب نیست. این خشونت‌ها از جانب مردمی است که فهم درستی از کلام خدا در کتب مقدس ندارند و یا اینکه از کلام خدا برای اهداف گمراه کننده خودشان استفاده می‌کنند.

بدنبال سخنان بخش اول کنفرانس، تمامی ۲۵۰ شرکت کننده به تبادل نظر پرداختند که فرصت خوبی برای آشنائی هر چه بیشتر با یکدیگر بود. سوالات حول و حوش مسائلی چون میزان و چگونگی بخشش، و اینکه آیا تا بحال فردی را از مذهب دیگر بخشیده‌ایم و غیره دور میزد. تبادل نظرهایی اینچنین محیط مثبتی بوجود آورده بود. البته هنوز افرادی بودند که در نشست و برخاست با افراد از دیگر مذاهب دشواری احساس می‌کردند.

بدنبال صرف ناهار بخش دوم با گفتار یکی از اعضای انجمن شهرداری اورشلیم آغاز شد و بدنبال او دکتر اندرو ویلسون از صلیب بعنوان مرز بین یهود و مسیحیت سخن گفت. او در سخنانش بطور عمیق عیسی و چگونگی پذیرفته شدن او را به تصویر کشید و این نکته که او همچنان در پی پذیرفته شدن و ایجاد اتحاد بین مسیحیت و یهودیت می‌باشد. او همچنین به شکست مسیحیت در عشق به سرمنشاء خود، اسرائیل و عهد عتیق اشاره کرد. سخنان او بعنوان

گفتاری جدی تاثیر عمیقی بر حضار گذاشت. و تبادل نظر بعد از سخنان او نیز جالب و پرشور در عین حال در صلح برگزار گردید.

اعلامیه‌ی اورشلیم

اسقف استالینگز به معرفی "اعلامیه‌ی اورشلیم" بعنوان قطعنامه‌ی نمایندگان و روحانیون شرکت کننده پرداخت. در قسمت اول این قطعنامه آمده است: "مؤمنان از هر دو خانواده‌ی مسیحیت و یهودیت با يك توافق نظر، مصالحه و هماهنگی، همراه با یاد تعهد تمامی آن کسانی که در پی ساختن يك دنیای بهتر رنج کشیدند، در جهت نیل به يك آینده‌ی روشن در ارتباط با بخش تاریک و سیاه گذشته‌ی خود توبه می‌کنیم. ما با گردهمایی در شهر مقدس اورشلیم، سرزمینی که خدا در آن مردم خود را برگزید، و پیام آوران خود را برای پاکسازی ما ارسال کرد و ما را در مسیر درستکاری هدایت نمود، اکنون با قلبی یگانه به هم پیوسته و اعلام می‌کنیم:.

این اعلامیه به ایمان به خدا، اینکه هر دو مذهب بخاطر ایمان و اعتقاداتشان رنج کشیدند، اشاره می‌کند و ادامه می‌دهد که ما می‌خواهیم زندگی و تمامی تاریخ آینده را از لحظاتی که در آن ما نتوانستیم افراد بی‌گناه را دوست بداریم، تمامی لحظاتی که در آن اعتقادات ما مورد شکنجه قرار گرفت و تمامی لحظاتی که در آن اعتقادات دیگران را به زیر شکنجه بردیم، پاک کنیم. ما می‌خواهیم تا با یکدیگر به‌همراه تمامی مؤسسين و مقدسين مذاهب خودمان که هم اکنون در دنیای روح بسر می‌برند، برای شروع يك عهد صلح و خوبی کار کنیم. ما مسیحیان توبه می‌کنیم به خاطر اینکه با باشکوه دانستن لحظه‌ی اعدام عیسی که در آن او جسمش را از دست داد، چیزی را جشن گرفتیم که دردناک‌ترین لحظه برای خدا بوده است، لحظه‌ای که تمامی رویاهای مقدسين و پیام آوران را نقش بر آب کرد و باعث عدم ظهور پادشاهی بهشتی در طی دوهزار سال بعد گردید. در طی این دوره ما مرتکب اشتباهات بسیاری شدیم، ما توبه می‌کنیم از اینکه نتوانستیم تجسم عشق عیسی بشویم، برعکس آغازگر يك تاریخ ضد سامی گرائی شدیم. ما یهودیان بعنوان مردم برگزیده ی خدا می‌خواهیم قلب خود را در پیشگاه خدا گشوده و تمامی اتفاقات گذشته را با چشمان او ببینیم و یکبار و برای همیشه خود را از سنگینی بار مصلوب کردن عیسی آزاد کنیم. این مرد جوان یهودی بی‌گناه، یوشع، کسی بود که خدا او را دوست می‌داشت و تمامی امید و رویایش را بر او قرار داده بود. اما او از جانب ثروتمندان و قدرتمندان در میان مردمش پذیرفته نشد. آنها بخاطر موقعیت و آرامش خودشان، او را برای اعدام به دست قدرت منفور خارجی سپردند. ما توبه می‌کنیم. در این روز، وجود تازه‌ی خودمان را وقف زندگی بر اساس خواست تو می‌کنیم. ما کار و تلاش رورند و خانم مون را در جهت ایجاد اتحاد بین خانواده‌های با ایمانمان تصدیق می‌کنیم. ما در جهت تاسیس دنیای صلح آمیز و خانواده‌های ایده‌آل، با برکت والدین راستین، خانواده‌ی واحد خدا را خواهیم ساخت.

اسقف استالینگز قطعنامه را تشریح کرد، اگر چه این امر کار آسانی نبود. او از خاخام بزرگ خواست تا بر روی سن بیاید و در این اثناء ما شاهد چگونگی کار خدا از طریق معجزه بودیم. دکتر شالو یکی از سفیران صلح، که به‌همراه رورند پورتر اعلامیه را (به اندازه هفتاد و پنج سانت در صد و پنج سانت) بر سر دست نگه داشته بودند، بطور اتفاقی در کنار خاخام قرار گرفت و در این فرصت توانست به زبان عبرانی موضوع قطعنامه را برای او تشریح کند. تعدادی از روحانیون یهودی شرکت کننده از مطرح شدن چنین قطعنامه‌ای ابراز ناراحتی می‌کردند، اما وقتی که اسقف استالینگز در برابر ۲۵۰ شرکت کننده از آن خاخام درخواست کرد تا همراه با او قطعنامه را امضاء کند، او در يك لحظه‌ی الهام بخش اعلام کرد: من امضاء خواهم کرد اگر برادر مسلمان من همراه با من امضاء کند. شیخ با جرات و شجاعت برخاست و به جلو رفت و آن سه با یکدیگر اعلامیه‌ی اورشلیم را امضاء کردند. این حرکت راه را برای تمامی شرکت کنندگان باز کرد و تمامی آنها به روی سن آمده و اعلامیه را امضاء کردند.

این احساس در همه ما وجود داشت که بطور واقعی يك پیروزی برای والدین راستین به انجام رسیده بود.

ضیافت پایانی

بخش پایانی سرشار از احساس پیروزی و لذت بود. تعدادی چند از شرکت کنندگان سخن گفتند. یکی از روحانیون یهودی در سخنان خود از همه‌ی ما خواست تا از رنجی را که بر همه ما گذشت. درک درستی داشته باشیم. او با خود خانواده‌ای را به کنفرانس آورده بود که به تازگی پسر نوزده ساله‌ی خود را در جریان يك بمب گذاری تروریستها از دست داده بود. پدر آن خانواده به جلو آمد و گفت: خانواده‌ی من در بیمارستان بودند و قتیکه پسر من در حال مرگ بود. در همان لحظات دکتر نزد ما آمد و گفت که اگر این برگه (!) را امضاء کنی با اهدای عضوی از بدن پسر، جان يك دختر فلسطینی نجات داده خواهد شد. آیا شما چنین می‌کنید؟ آنگاه من به دعا نشسته و بعد جواب مثبت دادم. من می‌خواهم زندگی فرزندم برای کمک به زندگی فرد دیگری مفید واقع شود. او آن برگه را امضاء کرد و عضو بدن آن پسر یهودی اهداء شد و دختر فلسطینی نجات یافت.

این داستانی است که درك آن برای ما در جهت فهم هر چه بیشتر تمامی آنچه را که بر هر دو جناح در اورشلیم می‌گذرد، ضروری است. مردم و رهبران مذهبی خواهان آن چیزی نیستند که هم اکنون در حال جریان است. اما بدون هیچ تحریکی از جانب روح‌القدس چیزی التیام بخش در نفوذ به ریشه‌ی اصلی درگیری‌ها وجود نخواهد داشت. این نکته‌ای است که از دست سیاستمداران برنمی‌آید. این امر فقط از جانب مذهب‌یون ممکن می‌باشد.

رورند جنکینز از پائین کشیدن صلیبها توسط مسیحیان در آمریکا، دعا در محل زندان پل مقدس، دعا در محل زندانی شدن عیسی، از دلیل سفرشان به اورشلیم، از یکی شدن و اینکه مسیحیان باید از برادر بزرگ خود بیاموزند سخن گفت. در آیات آمده است که می‌گویند روزی غریبه‌ای به اورشلیم وارد می‌شود و با التماس عبای مرد روحانی را می‌گیرد ... آنگاه رورند جنکینز به خاخام بزرگ گفت: من می‌خواهم دست به عبای تو شوم و از تو بخواهم که درباره آیات برایم سخن بگویی، آیا به ما آموزش خواهی داد؟ آنگاه خاخام بزرگ عبای خود را بلند کرد و پاسخ مثبت داد. و رورند جنکینز بسوی او رفت و عبای او را در دست گرفت... چنین روحیه‌ای کنفرانس را هدایت می‌کرد.

رورند جنکینز در پایان رهبران مسلمان، مسیحی و یهودی را برای پیروی از والدین راستین فراخواند که با ماموریت مسیحائی خودشان، برای دادن برکت به خانواده‌ها و بردن سه مذهب بازمانده از نسب ابراهیم به پادشاهی خدا ظهور نموده‌اند. بسیاری از شرکت کنندگان گریه می‌کردند، بسیاری تحت تأثیر سخنان او قرار گرفته بودند. رورند جنکینز در طی سخنان خود تصاویر مراسم برکت به رهبری والدین راستین، مخصوصاً مراسم برکت چهارده سپتامبر دوهزار و دو را نشان داد. این تصاویر مراسم دعای رهبران مسلمان، مسیحی و یهودی برای شرکت کنندگان در مراسم برکت و همینطور مراسم دعای برکت والدین راستین را نشان می‌داد. او در پایان برای ایجاد اسرائیلی شکل گرفته از سه مذهب بازمانده از ابراهیم یعنی مسیحیت، یهودیت و اسلام سخن گفت.

روح‌القدس تمامی شرکت کنندگان در این کنفرانس را تحت تأثیر قرار داده بود. با اینکه کنفرانس به اتمام رسیده بود ولی کسی نمی‌خواست هتل و محل برگزاری کنفرانس را ترک کند. همه برآستی تحت تأثیر قرار گرفته بودند و برکت بزرگی شامل حال همگان شده بود. شرکت کنندگان دو ساعت بیشتر به گردهمایی خود ادامه دادند. یکی از رهبران یهودی به جلو بر روی سن رفت و گفت: "من اکنون خاخام عیسی را می‌پذیرم و از او در زادگاه و خانه‌اش استقبال می‌کنم." خاخام بزرگ برخاست و با بلند کردن عبایش گفت: من برای اولین بار در زندگی‌ام آنچه را که خدا می‌خواهد از طریق مسیحیت انجام بدهد، درك می‌کنم. اگر مسیحیت در همین روحیه‌ای باشد که امشب در اینجا دیده‌ام، من می‌توانم اتحاد یهود و مسیحیت، همچنین حل و فصل شدن تمامی مشکلات را ببینم. او برآستی تحت تأثیر قرار گرفته بود. رورند جنکینز در پاسخ گفت برای اینکه ما بتوانیم متحد بشویم باید توبه کنیم بخاطر اینکه نفهمیدیم که عیسی می‌بایست به زندگی ادامه داده و از جانب خانواده‌اش در اسرائیل عشق دریافت کند. برای اینکه ما با هم متحد بشویم، باید موسی، ابراهیم، اسحق، یعقوب و عیسی را دوست بداریم. خاخام بزرگ و عزیز آیا شما در عشق ورزیدن به عیسی به من می‌پیوندی؟ و خاخام بزرگ در حضور همگان گفت: "بله"

یک محیط روحی باورنکردنی همه چیز را کنترل می‌کرد. رورند جنکینز ادامه داد که ما باور داریم که تمامی اینها بواسطه‌ی راه غرامت والدین راستین و تعالیم زندگی بخش آنان بوده است. من از این مکان، اورشلیم مقدس از اسرائیل دوم می‌خواهم که برای انجام مسئولیتش در پیوند به جان ایل گوگ بپا خیزد، اینکه تمامی خانواده‌های برکت گرفته‌ی مرکزی باید معبد خدا شده و براساس تعالیم خداوند زندگی کنند. ما باید تمامی شکستهای تاریخی سه مذهب بزرگ بازمانده از ابراهیم را بازسازی کرده و روز تازه‌ی برکت و صلح را از طریق مراسم برکت برای همگان به ارمغان بیاوریم. رورند جنکینز همینطور عکسی از مراسم برکت اسقف استالینگر نشان داد و از همگان خواست تا با حفظ شعائر و سنن مذهبی خود به نهضت خانواده بپیوندند. او گفت که پدر مون سعی در تغییر ایمان شما ندارد. بلکه او می‌خواهد به ما نشان بدهد که در پیوند ما به یکدیگر، خدا چگونه از طریق تمامی مذاهب کار می‌کند.

او در پایان سخنانش از تمامی خانواده‌های برکت گرفته‌ی مرکزی و رهبران مسیحی در آمریکا خواست تا برخیزند و در پیوند به اسرائیل اول، فرزندان اسماعیل را به آغوش بگیرند و به تاریخ غم پایان داده و آغازگر تاریخ تازه‌ی پادشاهی خدا شوند.

بیرون از هتل بمبی دیگر منفجر شد، و این نشان می‌داد که کار ما هنوز به اتمام نرسیده است، اما بذر پادشاهی خدا با روحانیون یهودی حاضر در این کنفرانس، با رهبران مسیحی که صلیب‌هایشان را به پایین کشیدند، و با امامان مسلمان که اعلامیه‌ی اورشلیم را امضاء کردند در اسرائیل کاشته شد. بذر پادشاهی خدا اکنون و برای همیشه در اسرائیل کاشته شده است!

پایان/